

حکمت

امام حسین (ع)

من لایحضره الفقیه، ج. ۴



پرسیده شد: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! حالت چطور است؟ امام فرمود: شب را صبح کردم، در حالی که بالای سرم خداوند عالم و مقابلم آتش جهنم را دارم. مرگ در پی من است، حساب من در گرو عمل خود بوده، آنچه را که دوست دارم نمی‌بایم و آنچه را که نمی‌خواهم نمی‌توانم از خودم دور کنم. کارها در دست دیگری است؛ اگر او بخواهد عذابم می‌کند و اگر بخواهد می‌بخشد. چه کسی از من نیازمندتر است؟!

سرآغاز

شاید جزء مردان تاریک باشیم و...



حجت الاسلام
محمدرضا
جوان آراسته

پژوهشگر و
نویسنده

هرکدام از ما با توجه به آدمی که هستیم، با توجه به زندگی‌هایی که داریم و حتی باتوجه به دغدغه‌هایی که داریم، می‌توانیم یک درس آموخته‌ای، پندی یا روش زندگی از واقعه کربلا به دست بیاوریم. یعنی اتفاقاتی که در کربلا رخ می‌دهد، تک بعدی نیست. اگر مراجعه کنیم به فرمایشات امام حسین (ع) که درباره دینداری می‌فرمایند: «مردم بنده دنیاند و به ظاهر دم از دین می‌زنند و تا زمانی که زندگی‌شان تامین شود، از آن دفاع می‌کنند اما، چون در بوته آزمایش قرار گیرند، دینداران اندک هستند.» اگر ما دغدغه درستی از دینداری داشته باشیم، راه درست زندگی را پیدا می‌کنیم. وقتی که به واقعه کربلا نگاه می‌کنیم، امام درباره تعاملات اجتماعی، راه و روش و سیره زندگی برای ما حرف دارد که این پندها تنها مختص کربلا نیست بلکه از مدینه تا کربلاست. تمام این وقایع برای ما به شدت درس‌آموز است. در این اتفاقات نحوه مواجهه ما با دیگران ولو این‌که مخالف ما باشند، بیان شده است.

زمانی که نام کربلا می‌آید، اگر با سؤال و ابهام سراغ واقعه کربلا برویم، به تعداد سوالات و ابهامات ما، می‌تواند درس آموخته‌ای داشته باشد. بنابراین بهتر است به خودمان مراجعه و خودمان را بازخوانی کنیم؛ هر کدام از ما با هر نوع زندگی که داشته باشیم، مطالعه واقعه کربلا به بهتر فهمیدن زندگی‌مان کمک می‌کند.

آن چیزی که به عنوان دغدغه من محسوب می‌شد، شناختن متناسب با زمانه است. ابعاد مختلف کربلا که می‌تواند به ماکمک کند متاسفانه ناشناخته است. خیلی‌ها به تکرار موارد دانسته شده، بسنده می‌کنند. لایه‌های مهم و عمیق بسیاری در واقعه عاشورا وجود دارد که ما سراغ آنها نمی‌رویم و به آن فکر نمی‌کنیم.

من به عنوان نویسنده تلاش می‌کنم سراغ این لایه‌های پنهان بروم و یک به یک آنها را آشکار کنم. به عنوان مثال در واقعه عاشورا، روایت حضور مردان و رشادت‌های آنان بسیار زیاد و خیلی پررنگ است اما زنان نیز حضور داشتند و در کربلا نقش آفرینی کرده‌اند اما نامی از آنها آورده نشده.

در کتابی که نوشتم سراغ آدم‌های عادی که در لشکر عمر بن سعد بودند رفتم و نه آدم‌های سیاه، آدم‌های عادی که از قضا ما خیلی شبیه به آنها هستیم. اصلاً بعید نیست اگر ما هم در آن زمان بودیم، جزو آنها نباشیم. متاسفانه دائم درباره مردان تاریک لشکر عمر بن سعد صحبت شده است و ما احساس می‌کنیم جزو آنها نیستیم.

من احساس خطر می‌کنم، چون بعضی از ما فکر می‌کنیم به بدی مردان تاریک لشکر عمر بن سعد نیستیم اما شاید به بدی سیاهی لشکر آن بوده و خودمان خبر نداشته باشیم. بنابراین تلاش من به عنوان یک نویسنده، روشن کردن نقطه‌های کمتر دیده شده و شناخت بیشتر و بهتر از وقایع کربلاست.

عاشورا یک مکتب تربیتی است

پدر و مادرم به آموزه‌های دینی و اهل بیت (ع) علاقه بسیاری داشتند و نخستین الگوهای رفتاری در زندگی من بودند. پدرم مرحوم جلال حکیمی بذر عشق و محبت به اهل بیت (ع) را در قلب من کاشت و مادرم آنها را آبیاری کرد و چون بزرگ شدم به ادبیات دینی روی آوردم. پدر یک روحانی باتقوا و بسیار شریف بود که در زمان رضا شاه مجبور شد از لباس روحانیت بیرون آید. پدر مادرم هم یک روحانی بود. دایی من بعد از انقلاب اسلامی فوت کرد او از روحانیان نام‌آور شهرری و حافظ قرآن بود. او به قرآن کریم علاقه بسیار داشت. بیشتر وقت‌ها در مسجد لرزاده مشغول خواندن نماز یا قرآن بود. توصیه‌های او و مادرم در مذهبی شدنم و رویکرد من به کتاب‌های دینی و سپس نویسندگی بسیار مؤثر بودند.



محمود حکیمی

نویسنده
پیشگسوت

روزهای تاسوعا و عاشورا همراه پدرم برای عزاداری به هیات‌های مذهبی می‌رفتم. البته ناگفته نماند مادرم در کربلا متولد شده بود و سپس همراه پدر و مادرش در اواخر حکومت ناصرالدین شاه به ایران آمده و در شهرری ساکن شده بودند.

از همین‌رو خواندن، تحقیق و نوشتن در این حوزه را آغاز کردم. وقتی کتاب «سیرت و شخصیت حضرت محمد (ص)» را می‌نوشتم جمله معروف «حسین منی و انا من حسین» بسیار توجه مرا جلب کرد و از این‌رو تصمیم گرفتم درباره زندگی سیدالشهدا (ع) تحقیق و با بصیرت کافی واقعه عاشورا را تحلیل و تفسیر کنم.

از این‌رو نخستین اثر من درباره امام حسین (ع) در سال ۱۳۵۱ با عنوان «پیشوای آزادگان» با مقدمه آیت‌ا... مکارم شیرازی منتشر شد. بعد از آن حدود ۴۸ سال پیش می‌شد که کتابی دیگر از من با عنوان «قیام حسین (ع)» و ویژه نوجوانان منتشر شد مانند آثار دیگری که تاکنون برای نوجوانان نوشته‌ام مورد استقبال قرار گرفت.

همین امر موجب شد در کنار پژوهش‌های خود به کتاب‌های تاریخی امام حسین (ع) اهمیت بیشتری بدهم و آثار دیگری در این زمینه بنویسم. خوانندگان آثارم می‌دانند که من از سال ۱۳۴۷ تاکنون در مجله وزین «درس‌هایی از مکتب اسلام» مقاله یا داستان‌های دینی می‌نویسم و در این دوران هم مقاله‌های زیادی از من درباره نهضت جاودانه عاشورا در این مجله منتشر شده است.

مواجهه دقیق با مکتب امام حسین (ع)

پس از سال‌ها مطالعه، درک کردم مکتب امام حسین (ع) پیش از آن‌که یک مکتب احساسی و عاطفی باشد یک مکتب تربیتی است؛ مکتبی که مردمان در آن به نیکوترین و والاترین تربیت نبوی و علوی دست‌می‌یابند.

امام حسین (ع) هنگام حرکت از مدینه به سوی مکه و در آغاز نهضت خود در وصیتنامه‌اش نوشت: «من می‌خواهم به خوبی‌ها سفارش و از زشتی‌ها جلوگیری و به سیره جدم محمد (ص) و سیره پدرم رفتار کنم. عقیده دارم نسل نوجوان و جوان که بیشترین مخاطبان آثارم هستند اگر به راستی علاقه‌مند به شناخت مکتب امام حسین (ع) هستند باید درباره نهضت پیامبران توحید مطالعه کنند.

در آخرین کتابی که درباره نهضت عاشورا نوشتم و عنوانش «امام حسین (ع) و نهضت جاوید کربلا» است به این موضوع پرداخته‌ام. در آغاز این کتاب آمده است امام حسین (ع) ادامه‌دهنده راه انبیاست و

بخشی از زیارت وارث

را آورده‌ام.

سپس با ذکر قسمت‌هایی

از نهضت‌های جاویدان پیامبران

ادیان توحیدی را مطرح کرده و تأکید کردم امام حسین (ع) و یارانش در قیام خود در مسیری حرکت کردند که مسیر پیامبران الهی بوده است. در این کتاب به نهضت جاودانه حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت داوود (ع)، حضرت سلیمان (ع)، حضرت ایوب (ع) و حضرت عیسی (ع) با استفاده از آیات قرآن کریم اشاراتی و به این نکته تأکید داشتم، نهضت پیامبران الهی که آخرین آنها نهضت حضرت محمد (ص) بود به دعوت انسان‌ها به پرستش خدای واحد، رهایی از پرستش غیر خدا و دعوت انسان‌ها به نیک‌دوستی است. تأکید می‌کنم که البته نهضت امام حسین (ع) هم در این مسیر بوده است.

نیاز به شناخت درست از نهضت عاشورا

بر این باورم در جهان امروز انسان‌ها از هر نژاد، مذهب و زبان به شناخت درست از نهضت عاشورا نیاز دارند زیرا پیام نهضت جاویدان پیامی برای آزادی همه انسان‌هاست. در ادامه این کتاب که انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری مهر تابان آن را منتشر کرده است به نهضت حسینی و شاعران بزرگ پارسی‌گوی اشاره شده است.

همان‌طور که می‌دانیم بسیاری از شاعران پارسی‌گوی اشعاری زیبا از واقعه عاشورا سروده‌اند و البته آنها را در این کتاب آورده‌ام؛ اشعاری از چند شاعر پارسی‌گوی همچون سنایی، مولوی، سعدی، سیف فرغانی، محتشم کاشانی و اقبال لاهوری. اگر بخواهم اشعار تمام شاعران را که درباره امام حسین (ع) و یارانش سروده شده بنویسم ۱۰ جلد کتاب هم کافی نیست.